

آتش توهین و تحریف، حریف حقیقت قرآن نمی‌شود/ اروپایی‌ها درک کنند در مسیر تقابل یازنده خواهند بود

رئیس جمهور با بیان اینکه همه جهان از جمله ملت‌های غرب آسیا معنای واقعی دموکراسی غربی را لمس کرده‌اند...



رئیس جمهور با بیان اینکه همه جهان از جمله ملت‌های غرب آسیا معنای واقعی دموکراسی غربی را لمس کرده‌اند و می‌دانند که صرفاً اسم رمزی است برای کودتا، اشغالگری و جنگ، گفت: تکلیف دنیا با پروژه و مکتب لیبرال دموکراسی مشخص است؛ اینک مکتبی که می‌خواست الگوی جهان باشد به درس عبرت تبدیل شده و به پایان راه خود نزدیک شده است. به گزارش ایسنا، سید ابراهیم رئیسی بعد از ظهر امروز سه شنبه به وقت محلی، در دومین روز سفر خود به نیویورک، در هفتاد و هشتمین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، با اشاره به اهانت به قرآن در برخی جوامع غربی، گفت: خدمت به محرومان، وفای به عهد، مبارزه با فقر و فحشا و بی‌عدالتی محتوای قرآن است. این مفاهیم تمدن ساز قرآن برای انسان هرگز نمی‌سوزد و ابدی است. آتش توهین و تحریف حریف حقیقت قرآن نمی‌شود. سوزاندن قرآن، منع حجاب در مدارس و تبعیض‌هایی نظیر آن شایسته انسان معاصر نیست و پشت پرده این نفرت پراکنی طراحی بزرگتری وجود دارد. وی در بخشی دیگر از سخنان خود قدرت جمهوری اسلامی ایران را قدرتی امنیت ساز دانست که با حذف گزینه‌های جنگ، اشغالگری و تجزیه‌ی کشورهای از روی میز قدرت‌های سلطه‌گر، افق‌های جدیدی را برای منطقه گشوده است و اظهار داشت: جمهوری اسلامی ایران باور دارد که اولویت منطقه، وحدت اسلامی و توسعه جمعی است؛ بدون تردید، پایدارسازی امنیت منوط به توسعه جمعی بوده و این تنها راه سعادت غرب آسیا است.

متن کامل سخنرانی رئیس جمهور به شرح زیر است

«بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا و نبينا محمد و آله الطاهرين و صحبه المنتجبين

قَبَشِّرْ عِبَادَ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ

(قرآن کریم – سوره زمر – آیه 17 و 18)

آقای رئیس؛

انتخاب جنابعالی را به ریاست هفتاد و هشتمین نشست مجمع عمومی سازمان ملل متحد تبریک می‌گویم. از سال قبل که من از این تریبون با شما سخن گفتم، جهان دستخوش تحولات مهم تلخ و شیرینی بوده است. قریب به هشتاد دهه پس از تأسیس سازمان ملل، اجلاس جدید مجمع عمومی در حالی آغاز می‌شود که جهان، تحولات بی‌سابقه و تاریخ‌سازی را تجربه می‌کند.

در این میان آنچه تضمین‌کننده آینده‌ای روشن برای جامعه بشری است، توجه به ارزش‌های والایی است که انسان را به سمت کمال و کرامت سوق می‌دهد؛ و چه چیزی بهتر از کلام پروردگار، می‌تواند انسانیت و ارزش‌های تعالی بخش انسانی را تعریف کند.

حضار گرامی؛ خانم‌ها و آقایان؛

قرآن کلام خداوند و کتابی است که انسان را به عقلانیت، معنویت، عدالت، اخلاق و حق‌باوری دعوت می‌کند. سه رکن اساسی در قرآن، توحید، عدالت و کرامت انسانی است که تاملین‌کننده سعادت بشر است. مگر قرآن چه فرموده است که کینه‌های مستکبرین و ارباب قدرت و ثروت را برانگیخته است؟

قرآن می‌فرماید ای بشر؛ ستم و تفرقه را نپذیر. با این رهنمود می‌توان جهانی از کرامت و عظمت ساخت. قرآن از وحدت بشر می‌گوید و اینکه همه ساکنان زمین، همچون خواهر و برادرند و از یک پدر و مادر؛ قرآن انسان را نماینده خداوند، و زن و مرد را با وجود تفاوت‌های طبیعی، مکمل یکدیگر و مساوی در محضر خداوند می‌داند؛ قرآن از حریم خانواده دفاع می‌کند و کودک را امانت خدا می‌داند؛

وفای به عهد و پیمان، راستگویی و امانت‌داری، صداقت در مراودات و معاملات، خدمت به محرومان و مبارزه با فقر و فحشا و بی‌عدالتی... آری اینهاست محتوای قرآن شریف؛

آیا این نخستین بار است که کلمات خداوند را می‌سوزانند و گمان می‌کنند، صدای ملکوت را برای همیشه قطع می‌کنند؟ آیا نمود و فرعون و قارون بر ابراهیم و موسی و عیسی پیروز شدند؟

قرآن، توهین به عقاید و باورها را منع کرده، و احترام به ابراهیم و موسی و عیسی را احترام به محمد(ص) می‌داند.

وَمَا أَوْتَىٰ مُوسَىٰ وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَّا تَفْرَقَ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ وَتَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (قرآن کریم سوره آل عمران- آیه 84)

این مفاهیم وحدت بخش و تعالیم متعالی، الهام بخش، انسان ساز، جامعه ساز و تمدن ساز انبیا برای جوامع بشری، ابدی اند و هرگز نمی‌سوزند. آتش توهین و تحریف، هرگز حریف «حقیقت» نخواهد شد.

آقای رئیس؛

اسلام ستیزی و آپارتاید فرهنگی، در صورت‌های مختلف خود از جمله سوزاندن کتاب مقدس قرآن تا منع حجاب در مدارس و دهها

تبعیض شرم آور دیگر، شایسته پیشرفت های انسان معاصر نیست.

پشت پرده ی این نفرت پراکنی ها، طراحی بزرگتری وجود دارد و تقلیل آن به مقوله ی آزادی بیان، گمراه کننده است. غرب که اینک با بحران هویتی و کارکردی مواجه شده است، جهان را جنگل و خود را باغی زیبا می بیند. برخی جریان های شوم ولی قدرتمند، راه حل را در بحران سازی و دشمن تراشی می بینند. این آپارتاید فرهنگی، جامعه مسلمانان و بخصوص مهاجران را هدف گرفته است؛ مهاجرانی که خود قربانیان سیاست های استعمار هستند.

ما نیز همچون همه مؤمنان و آزادی خواهان بر این باوریم که احترام به ادیان الهی باید جزو دستورکارهای بین المللی قرار گیرد و سازمان ملل نیز با طراحی سازوکاری، احترام به ادیان الهی را تضمین نماید.

در کنار جنگ علیه اسلام، شاهد جنگ علیه خانواده نیز هستیم. خانواده اصیل ترین، دیرپاترین، بنیادی ترین و فطری ترین نهاد بشری است که امروز در معرض تهدید قرار گرفته است.

امروز جنایت علیه بشریت، فقط اشغال سرزمین ها و کشتار بی گناهان و استعمار ملت ها نیست بلکه هجوم به پناهگاه فطری و طبیعی بشر یعنی خانواده نیز جنایت علیه بشریت است. حفاظت از حریم خانواده و ازدواج، که از وصلت یک زن و یک مرد شکل می گیرد، یک واقعیت جهانی است که باید به دستور کار مشترک جهانی تبدیل شود. آموزش، توسعه و تعالی انسانی جز در چارچوب ارزش های خانوادگی به کمال نمی رسد. روایت های ساختگی از زوجیت و جنسیت، در حقیقت تلاش برای حذف مفاهیم متعالی نظیر مادر، پدر و خانواده طبیعی است؛ اقداماتی که می توان آن را مصادیق جنایت علیه بشریت و موجب انقطاع نسل بشر دانست. مقابله با چنین رویکردهایی وظیفه انسانی ماست. ما امروز نیازمند جنبش جهانی تعهد به خانواده هستیم تا همه اعضای خانواده زندگی گرم در کنار یکدیگر را تجربه کنند.

ما از همه رهبران جهان و رهبران ادیان الهی می خواهیم به وظیفه تاریخی خود در حمایت از جایگاه اصیل مفهوم خانواده و مقابله با روایت های ساختگی عمل نمایند. ما از سازمان ملل انتظار داریم که احترام به جایگاه والا و اصیل خانواده را در صدر دستورکار خود قرار دهد.

خانم ها و آقایان؛

ما در یک دوره سرنوشت ساز تاریخی قرار گرفته ایم. جهان در حال تغییر و گذار به نظم بین المللی نوظهور است و این مسیر غیرقابل بازگشت است.

معادله سلطه غربی برای جهان، دیگر جواب نمی دهد.

نظم کهنه لیبرال که در خدمت منافع سلطه گران و سرمایه داران سیری ناپذیر بود کنار زده شده؛ و در یک کلام، پروژه آمریکایی کردن جهان شکست خورده است.

ملت ایران افتخار دارد که به مدد انقلاب شکوهمند اسلامی خود، بیشترین روشننگری را در برانداختن نقاب از چهره سلطه گران شرق و غرب انجام داده و با همراهی دیگر ملت های غرب آسیا، نقش تعیین کننده ای در ناکامی نظام سلطه داشته است.

اینک که مقاومت و بیداری ملت های جهان از همیشه بیشتر شده و قدرت های نوظهور سر بر آورده اند، امید است که نظامی جدید و عادلانه بر جهان حاکم شود.

آنچه برای نظم بین المللی جدید کلیدی است کنار گذاشتن سلطه ی جهانی و جایگزینی آن با نظم ها و همکاری های منطقه ای است.

جمهوری اسلامی ایران از حداکثر همگرایی اقتصادی و سیاسی درون و میان منطقه ای حمایت می کند و علاقمند است تا براساس عدالت، با همه جهان، تعامل داشته باشد.

با این حال، اینک که کشورهای مستقل جهان در مسیر همکاری و همگرایی بیشتر قدم برمی دارند، شاهد تلاش برخی قدرت ها برای شعله ور کردن آتش درگیری در مناطق مختلف هستیم. آنها با داشتن ذهنیت جنگ سرد، به دنبال بلوک بندی مجدد جهان هستند. این حرکت، ارتجاعی و به ضرر امنیت و رفاه ملت هاست.

جمهوری اسلامی ایران قاطعانه بر این باور است که نباید اجازه داد شرق و غرب جدیدی شکل بگیرد.

ناامن کردن کریدورهای تجاری، تنزل درجه کشورها از متحد به وابسته، ممانعت از رشد اقتصادی کشورهای مستقل، و ایجاد جنگ های نیابتی در آسیا و اروپا بخشی از همین زنجیره شوم است.

طنز ماجرا آن است که این اقدامات را به اسم دفاع از دموکراسی مطرح می کنند؛ اما همه جهان از جمله ملت های ما، در غرب آسیا معنای واقعی دموکراسی غربی را لمس کرده اند و می دانند که صرفاً اسم رمزی است برای کودتا، اشغالگری و جنگ.

تکلیف دنیا با پروژه و مکتب لیبرال دموکراسی مشخص است چرا که می دانند چیزی نیست جز یک دستکش مخملی که زیر آن دستی چدنی قرار دارد. اینک مکتبی که می خواست الگوی جهان باشد به درس عبرت تبدیل و به پایان راه خود نزدیک شده است.

خانم ها و آقایان؛

درست در زمانی که برخی قدرت ها، جهان را به سوی جنگ های بیشتر پیش می برند، جمهوری اسلامی ایران سیاست «همسایگی و همگرایی» را مطرح کرده است.

سیاست همسایگی، سیاستی خیرخواهانه برای منطقه است و بر این اساس، همکاری های گسترده اقتصادی و تقویت پیوندهای زیرساختی در صدر دستور کار منطقه ای قرار می گیرد. جمهوری اسلامی هر دستی را که برای دوستی دراز شود، به گرمی می فشارد. همسایه مستقل و قدرتمند برای منطقه فرصت است.

اینک که منطقه ما از دو دهه تنش و بحران تحمیلی عبور کرده و مقاومت ملت های آزاده در ایران و عراق و یمن و لبنان و سوریه و فلسطین و افغانستان، به ثمر نشسته است، چشم انداز فراروی منطقه را صرفاً می توان با تعمیق اعتماد سیاسی متقابل، همکاری های اقتصادی گسترده و امنیت درون زا تضمین کرد.

بر این اساس، ایران، فصل نوینی از روابط سودمند با کشورهای همسایه، همسو و هم اندیش را رقم زده است؛ با عضویت در ساز و کارهای منطقه ای و بین المللی، ظرفیت های خود را برای شکل دهی به نظامی عادلانه به اشتراک گذاشته است؛ و با اولویت دادن به تکمیل راه گزراهای تجاری از جمله راه گذر شمال و جنوب که پیونددهنده جهان شمال با جهان جنوب است، منافع پایدار اقتصادی را برای همه ملت های منطقه تضمین می کند.

همچنین جمهوری اسلامی ایران آمادگی دارد به منظور کاهش و مدیریت آثار مخرب تغییر اقلیم، ظرفیت های بی نظیر طبیعی و فنی خود را در حوزه تولید و انتقال انرژی های پاک با دیگر کشورها به اشتراک گذارد.

در سطح امنیتی، سیاست همسایگی به دنبال تضمین امنیت پایدار از طریق همکاری های درون منطقه ای و ممانعت از مداخله خارجی است. از قفقاز تا خلیج فارس، هرگونه حضور بیگانه، نه تنها بخشی از راه حل نیست بلکه خود مشکل است. ما امنیت همسایگان را امنیت خود؛ و هرگونه ناامنی برای آنها را ناامنی برای خود می دانیم.

ما با جدیت و حسن نیت، ابتکاراتی را در منطقه رقم زدیم. با این حال، پیوند سیاست و امنیت، نیازمند تحکیم است و تنها زمانی پایدار می شود که با همکاریهای اقتصادی معنادار، ترکیب شود.

منطقه غرب آسیا بخاطر تجربه طولانی استعمار و تجاوزات نظامی مکرر، فرصت های زیادی را برای توسعه و پیشرفت از دست داده است. اینک که با هدایت رهبر معظم انقلاب اسلامی امام خامنه ای، دکترین مقاومت، امواج اشغالگری و تروریسم را با موفقیت به عقب رانده، فرصت و عصر جدیدی برای منطقه رقم خورده است.

قدرت جمهوری اسلامی قدرتی امنیتی ساز است و با حذف گزینه های جنگ، اشغالگری و تجزیه ی کشورها از روی میز قدرت های سلطه گر، افق های جدیدی را برای منطقه گشوده است. جمهوری اسلامی ایران بر این باور است که اولویت منطقه، وحدت اسلامی و توسعه جمعی است. بدون تردید، پایدارسازی امنیت منوط به توسعه جمعی است و این تنها راه سعادت غرب آسیا است.

سرزمین ایران فرصت های بی نظیری برای سرمایه گذاری دارد و اولویت دادن جمهوری اسلامی به همکاری های اقتصادی، فرصتی برای کشورهای منطقه و جهان محسوب می شود. جناب آقای رئیس؛

سال گذشته، سال پیروزی ملت ایران بود. برخی از کشورهای غربی و سرویس های اطلاعاتی آنها در سال گذشته دچار اشتباه محاسباتی شدند و یکبار دیگر قدرت ملت ایران را دست کم گرفتند.

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی، دشمنان ملت ایران با "بحران سازی های پیاپی"، انواع جنگ و تحریم و فشار حداکثری را بر مردم ما تحمیل کردند. چهل و پنج سال است که این سیاستها شکست خورده و ملت ایران به "پیروزی های پیاپی" دست یافته است. اکنون آنها با جمهوری اسلامی ای مواجه هستند که به پشتوانه پیوند عمیق با ملت خود، هم مقاومت کرده و هم پیشرفت.

در سال گذشته نیز ملت ایران آماج بزرگترین حمله رسانه ای و جنگ روانی تاریخ قرار گرفت. آیا آمریکا که خود، بزرگترین زندان مادران در جهان است می تواند صادقانه نگران حقوق زنان باشد؟ در این مدت، تصویری که از ایران به جهان مخابره می شد، محصول سرکوب اطلاعات معتبر و اشاعه اطلاعات نامعتبر بود.

با وجود تولید و انتشار دهها هزار خبر و گزارش دروغ درباره ایران، واقعیت های مهمی از ایران در سراسر جهان سانسور می شود: آیا شما تاکنون چیزی درباره بمباران شیمیایی مردم ایران شنیده اید؟ آن سلاح های شیمیایی را برخی از اروپایی ها به صدام داده بودند.

آیا تصویر مصدومان شیمیایی را که هنوز زنده اند ولی حدود 35 سال است که در بیمارستان بستری هستند و درد می کشند، دیده اید؟

آیا تصویر کودکان مبتلا به بیماری پروانه ای که بخاطر تحریم دارو توسط آمریکا و برخی کشورهای غربی، درد می کشند، از قاب رسانه های اصلی به دنیا مخابره شده است؟

آیا تصاویر جلوه های صبر و مقاومت و ایثار و شهادت در مردم مقاوم ایران اسلامی دیده اید؟

آیا از حرکت بی بدیل و 22 میلیونی مردم کشورهای مختلف در راهپیمایی عظیم اربعین حسینی در عراق چیزی شنیده اید؟

آیا جلوه های صبر و مقاومت و ایثار و شهادت انقلاب اسلامی ملت ایران را دیده اید؟

امنیت امروز اقلیم کردستان مدیون مجاهدت های سردار شهید قاسم سلیمانی، فرمانده مبارزه با تروریسم است وگرنه در آتش داعش می سوخت. اما آیا چیزی از این رشادت ها در رسانه ها و هالیوود به شما نشان داده یا خواهند داد؟

تشییع جنازه 25 میلیونی فرمانده مبارزه با تروریسم سردار حاج قاسم سلیمانی سانسور شد. اندوه و خشم و حس انتقام 85 میلیونی ملت ایران و امت اسلامی سانسور شد.

ترور شهید قاسم سلیمانی جایزه به داعشی بود که به گفته مقامات سابق آمریکا ساخته دست خودشان بود. به همین خاطر، بجای آنکه از آن فرمانده شجاع، تقدیر کنند او را ترور کردند.

اما جمهوری اسلامی ایران با استفاده از همه ابزارها و ظرفیت ها برای اجرای عدالت و محاکمه عاملین و مباشرین این تروریسم

دولتی تا حصول نتیجه قطعی از پای نخواهد نشست.

خون مظلوم پایمال نخواهد شد و دامن ظالم را خواهد گرفت.

رؤسای محترم دولت ها و هیات ها

اشغالگری، تروریسم و افراط گرایی از جمله مهمترین تهدیدهای جدی در غرب آسیا هستند که بر هم زنده هر نظم مبتنی بر منافع ملت های منطقه است.

ریشه کنی تروریسم در گرو مبارزه فراگیر و هدفمند با ریشه ها و جلوه های آن و مجازات بدون تبعیض تروریست ها در سراسر جهان است.

استفاده برخی دولت های غربی از تروریسم به عنوان ابزار سیاست خارجی، مبارزه کشورهای منطقه علیه تروریسم را خنثی می کند.

مدیریت و بهره برداری برخی از سرویس های امنیتی غربی از بستر گروه های افراطی و به ویژه جابجایی هدفمند نیروهای جنگجوی خارجی در حوزه های مختلف جغرافیایی نیز به این نگرانی ها دامن می زند.

برخی از کشورهای اروپایی باید پاسخ دهند که چرا در عین ادعای مبارزه با تروریسم، به پناهگاه امن گروه تروریستی ای تبدیل شده که تاکنون بیش از 17 هزار نفر از شهروندان ایرانی را در کوچه و خیابان ترور کرده است؟

تبعیض در مبارزه با تروریسم به معنای چراغ سبز به تروریست ها است.

ایران که خود بزرگترین قربانی تروریسم است پیش قراول مبارزه با تروریسم در منطقه می باشد.

ملت های منطقه، ایران را شریکی مطمئن برای امنیت خود و رژیم اشغال گر قدس را عامل اصلی ناامنی، بی ثباتی و ترویج خشونت در منطقه می دانند.

آیا وقت آن نرسیده که به 75 سال اشغال سرزمین فلسطین و ظلم به آن ملت مظلوم و کشتار زنان و کودکان پایان داده شود و حقوق ملت فلسطین به رسمیت شناخته شود؟

تداوم اشغال فلسطین و بخش shy&های از خاک لبنان و سوریه توسط رژیم صهیونیستی و محروم ساختن ملت مظلوم فلسطین از حقوق مسلم و ذاتی خود، بویژه در تشکیل دولت فلسطینی به پایتختی بیت shy&المقدس منجر به تشدید جنایات این رژیم و گسترش دامنه shy&ی تجاوز و تهدید به سایر کشورهای منطقه شده است.

تنها حکومت مبتنی بر آپارتاید و تبعیض نژادی باقی مانده در جهان که بر مبنای جنگ، اشغال، تروریسم و نقض حقوق ملت ها پایه گذاری شده و بر همین مینا و روش ادامه حیات می دهد، نمی تواند شریک صلح باشد.

وضعیت امروز افغانستان نمودی دیگر از آثار مداخله غرب در منطقه است که به کشتار بیش از 170 هزار تن از زنان و مردان و کودکان انجامید. در افغانستان، ایران بر دولت فراگیر و ضرورت رعایت حقوق همه طوایف، قومیت ها و مذاهب این کشور تأکید دارد.

در عین حال اقدام عاجل بین المللی برای رسیدگی به بحران فوری پناهجویان خارج شده از این کشور بخصوص در ایران ضروری است.

در قضیه جنگ اوکراین و روسیه نیز مایلیم بار دیگر بر موضع جمهوری اسلامی ایران در ردّ جنگ به عنوان راه حلی برای هرگونه مخاصمه تأکید کنم. ما جنگ در اروپا را به نفع هیچ طرف اروپایی نمی دانیم. رد کردن هر طرح آتش بس در جنگ اوکراین از سوی آمریکایی ها نشان می دهد که آمریکا برای تضعیف اروپا برنامه بلندمدت دارد.

ما از هر ابتکاری برای پایان جنگ و آغاز روند سیاسی حمایت می کنیم و آمادگی خود را برای نقش آفرینی سازنده در این عرصه اعلام می کنیم.

آقای رئیس؛

خروج آمریکا از برجام، نقض اصل مسلم وفای به عهد بود. دولت آمریکا همچنان با نقض صریح مفاد قطعنامه 2231 شورای امنیت، از عمل به تعهدات خود ذیل برجام اجتناب می کند.

با این رفتار، آمریکا عملاً و برخلاف تمام ادعاهایش، قانون گریزی و زورگویی را به جای همکاری تجویز کرده است. آمریکا باید با اعتمادسازی اثبات کند که دارای حسن نیت است و اراده ی واقعی برای عمل به تعهدات خود و نهایی کردن مسیر را دارد.

اروپایی ها نیز که در پی سال ها عدم پابندی به تعهدات خود از جمله در لغو تحریم ها، اکنون برجام و قطعنامه 2231 شورای امنیت سازمان ملل را نقض می کنند، باید درک کنند که با سرعت گرفتن در مسیر پرهزینه تقابل، بازنده خواهند شد.

سلاح هسته ای هیچ جایگاهی در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران ندارد. گزارش های رسمی مراجع ذیربط بین المللی و حتی جوامع اطلاعاتی غربی نیز بارها بر صحت این ادعا تأکید کرده اند. جمهوری اسلامی ایران همانند دو دهه گذشته به هیچ عنوان از حقوق مسلم ملت خود برای بهره مندی صلح آمیز از فناوری هسته ای کوتاه نخواهد آمد. تنها مجرم اتمی جهان، نه تنها

به تعهدات خود ذیل ان.پی.تی مبنی بر خلع سلاح اتمی عمل نمی کند بلکه با اعمال تحریمهای یکجانبه ی غیرقانونی، اصول مسلم حقوق بین الملل و منشور ملل متحد را نقض و حقوق ملت ها را پایمال می کند. اما این تحریم ها بر عزم قاطع ملت ما در

مسیر پیشرفت کشور، بی تأثیر بوده است. وقت آن رسیده که آمریکا به بحران تصمیم گیری خود پایان دهد و مسیر صحیح را انتخاب کند.

خانم ها و آقایان؛

بشر در حال ورود به مدار جدیدی است. قدرت های کهنه، در حال افول اند. آنها «گذشته» هستند و ما «آینده» ایم. تکرار می کنم که آنها «گذشته» هستند و ما «آینده» ایم.

نگاه ما به آینده امیدوارانه است. جهان در انتظار منجی است که ادیان الهی آن را وعده داده اند. این منجی وجود و حضور دارد. مؤمنانه باور داریم که بر مبنای مشیت و اراده الهی، همانطور که پیامبران الهی وعده داده اند، عدالت، جهانی خواهد شد و حکومت بندگان صالح پروردگار در سراسر زمین، حکم فرما و بشریت با رشد آگاهی و نابودی جهل، رستگار می شود. جهان در انتظار روزی است که حرمان به فرجام رسد.
از توجه شما سپاسگزارم.»